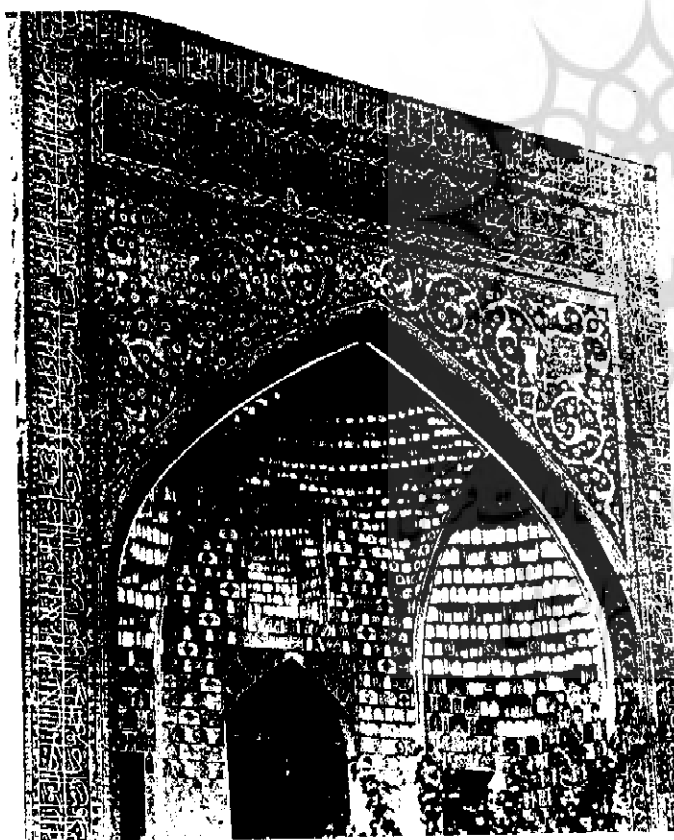


گوهرهایی که خاک شدند

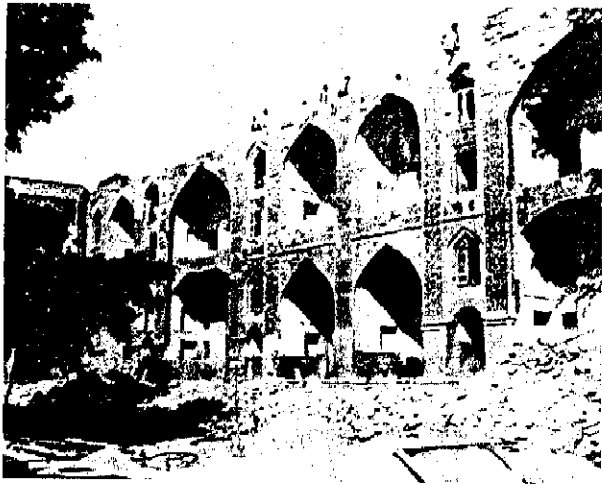
مسجد میرزا جعفر - مشهد



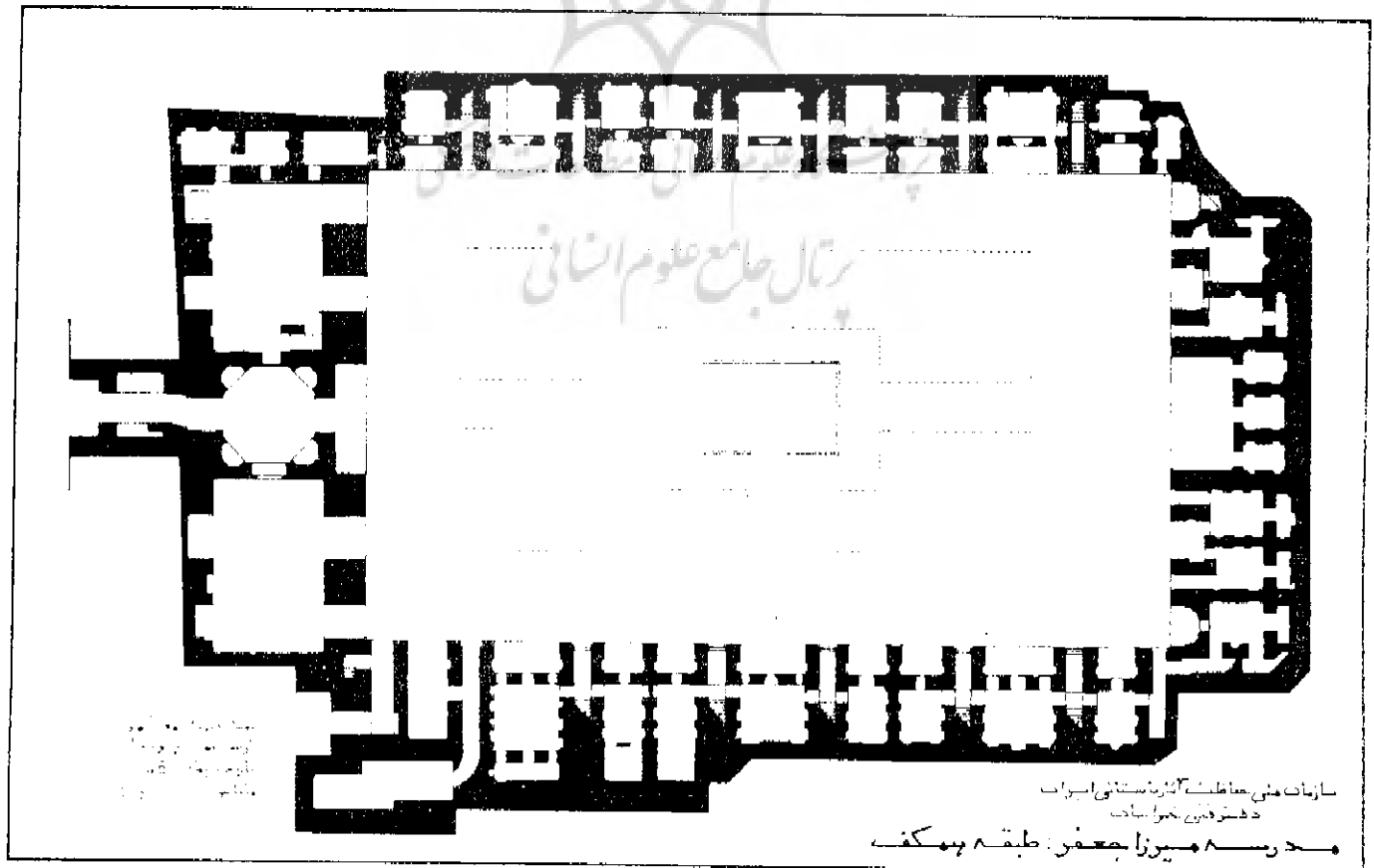
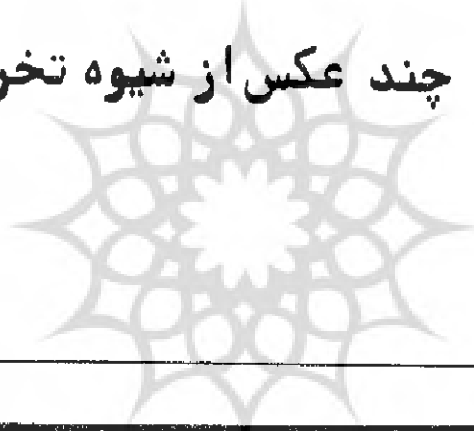
مدرسه میرزا جعفر حاصل دسترنج و هنر کارگران و هنرمندان ایران است که در سال ۱۰۵۹ قمری مرسته‌اند. این مردم سصد و چهل و یک سال پیش کوشش و نفع خود را بکار گرفتند و چنین بنای بدیعی را بوجود آوردند. این مدرسه طلاب امور دینی از دیدگاه ارزشهای هنر معماری برحسته ترین بناهای است که در مجموعه بناهای تاریخی حرم مطهر حضرت رضا (ع) وجود دارد. تناسب جزرها و دهانه‌ها، ارتفاع غرفه‌ها و ایوانها، کاشیکاریهای معرق با رنگ آمیزی و طراحی عالی و ملاحظات زیادی که در حجم بنا وجود دارد و همچنین مقرنس بی نظیر ایوان شمالی و جنوبی و اتاقهای داخلی آن با پوششهای زیبا و دلنشین از مواردی هستند که میتوان در این محل از آنها نام برد.

براستی چرا (قسمت شرقی و غربی) این بنا با دریغ بسیار از بین رفت. اگر آنرا مثل اهرام مصر بظلم ساخته بودند باید میماند تا گواه جنایات عصر خویش باشد. و اگر برعکس و

عنايت ساخته شده بود باز باید میماند تا معرف هنر و معرفت عصر خویش گردد.



چند عکس از شیوه تخریب یک اثر تاریخی







دیوانخانه پس از تعمیر

دیوانخانه - کاشان

بنای سردر عمارت دیوانخانه در کاشان قرار بود تبدیل به کتابخانه عمومی شود، عده‌ای میگفتند بهتر است موزه باشد و بعضی از مردم هم آنرا فقط بخاطر اینکه یک اثر باستانی بود دوست داشتند و معتقد بودند که این بنا با خاطراتی که در ذهن بیننده زنده میکند و اینکه از حوادث و تاخت و تازهای چون حمله افغان و زلزله‌های متعدد جان سالم بدر برده بر پیشانی شهر میدرخشد و هر تاز و واردی را که شهر می‌آید به دیدار آثار دیگر کاشان فرا میخواند و بد عرب تاز و وارد القاء میکند که اینجا شهر دیگرست در حاشیه کویر که آثار زیبایی در دل نهفته دارد و نباید زود از آن گذر کرد، جلو واردین را میگرفت و بداخل شهر هدایتشان میکرد چنین بود که میگوید سرسری از اینجا مگذرید که زیبایی هائی دارد و دست هنرمندان و زبیا

آفرینان در گوشه و کنار شهر در باغ زیبا ولی غمگینش که مقتل امیر کبیر است و در پیچ‌پیچ جویها و نهرها و درز و پای کوشک‌هایش در مسجد بزرگ شهر و در مدرسه دینی‌اش - در بازار و خانه‌هایش در خم و راست کوچه پس کوچه‌هایش - در جائیکه آب خنک و گوارا را بر دوش میکشند و از سی جهل پله بالا میروند - در بادگیرهایش و در سردابهای خنکش، دستهای معماران - نقاشان هنرمندان چه زیباییها که آفریده‌اند، میخواست بیننده را بدنیای دیگر برد و با وجودیکه در خودش زیباییها و ظرافتها و ریزه کاریهای فراوانی بود همیشه تک و تنها بدون اینکه حتی یک نفر هوس دیدنش را کند خودش را سیر بلا کرده بود و معرف و راهنمای شهر - افسوس که تاب تحملش را نداشتند و برای اینکه انومیلان راحت‌تر برود - سریعتر بتازد و فرمان پیکان را کمی راست و چپ نکنند با پیکان کینه و نفرت و با تیغ آهنین ماشین های خرد کننده ساخت و تحفه غرب چنان تاختند که



دېوانخانه در حال تخریب

پس از تخریب کامل



دیگر اثری از آن بر جای نماند. نه از آن قوسهای زیبا و کلیل‌هایش و نه از تناسبات زیبای هشتی و تالارش و نه از کاشیکاری و آجر چینی نمایش که با صلابت و وقار بیش از سه قرن و نیم استوار ایستاده بود و با نگرشی محزون و همیشگی از دور جفت خود را که در کنار باغ فین بود تماشا میکرد آری از عمارت دیوانخانه کاشان میگوئیم بنائی که بیش از سیصد سال از همه‌گونه حوادث و مصائب جان بدر برده بود ولی از دست تمدن از غرب آمده نتوانست بگریزد و شکست خورد. بعضی میگویند زمین‌داران بزرگ که او بدانها پشت کرده بود برایش این نقشه را ریختند بعضی‌ها از نام دیگری اسم میبردند و عده‌ای هم بدون آنکه بدانند چه میکنند و چه چیز را نابود میکنند کلنگ‌هایشان را بر سرش می‌کوفتند و هشتی‌اش را به یکباره بر باد دادند. در جایش که الان خالیست. ایستگاه مینی‌بوسهای آران و میدان تره بار و غیره قرار گرفته زیرا جایش چیزی نمیتوانند بگذارند که نه آن دستان هنرمند دیگر وجود دارد و نه آن حوصله و وقت. ممکن است پوششی از آسفالت گرم جایش را صاف کند و راه عبور کامیون‌های کوره‌های آجر و گجبری را هموار سازد.

بنای سردر مهمانسرای صفویه یا عمارت دولتخانه یاد دیوانخانه که به ساختمان تلگرافخانه کاشان معروف بود باقیمانده اینه مهمانسرای بزرگ کاشان در زمان صفویه است که بوسیله چهار باغی از اینسوی شهر به مجموعه باغ فین ارتباط داشته و طول این فاصله که به ۹ کیلومتر میرسد چهار باغ بود که دیگر آثاری از آن بجای نمانده است. فقط تا زمان ما همین سردر بود که به سردر باغ فین میمانست و انگار معمار و نقشه هر دو یکی است لیکن بعلت عدم مراقبت در حفظ و نگهداری این بنای بزرگ و چهار باغی که مقابل آن تا باغ فین امتداد داشته و بعلت زلزله‌های شدید دوران زندیه قسمت‌های اعظم این بنا بکلی منهدم و فقط ساختمان سردر و عمارت دولتخانه که محل پذیرائی دولتی بود از آن باقیماند.

این عمارت که در تاریخ ۱۳۵۲/۴/۵ شماره ۹۴۴ در فهرست آثار ملی به ثبت رسید و قاعدتا "میایستی بیشتر و بهتر حفظ و نگهداری گردد دارای دو طبقه ساختمان بود که طبقه اول آن پس از سردر ورودی - هشتی و در دوطرف دوسکو که به اطاقهایی ارتباط پیدا میکرد، در مقابل هشتی ورودی - نیز اطاق بزرگی قرار داشت که از دو طرف راه ارتباطی با هشتی داشت. و از دو طرف سکوها پلکانهایی به طبقه فوقانی ارتباط پیدا میکرد. در طرفین این بنا و در اتصال به آن نیز اطاقهای وسیعتری قرار داشت که احتمالاً "سربازخانه یا پاسدارخانه میبود طبقه دوم شامل تالاری وسیع در وسط و دو ایوان بزرگ در دو طرف و چهار گوشواره در چهار گوشه بود که با یک رشته پلکان به پشت بام ارتباط مییافت.

مشهور است که شاه عباس دوم صفوی در تالار فوقانی این عمارت تاج بر سر نهاد و گویند تالار محل پذیرائی و مهمانیهای دولتی هم بوده و از سیاحان و مستشرقین عصر در این عمارت پذیرائی میشده است. بعدها حدود یکصد سال قبل تبدیل به تلگرافخانه گردید و تا همین اواخر در اختیار اداره پست و تلگراف کاشان بود - نمای خارجی بنا کاملاً سالم و دست نخورده باقیمانده بود لیکن داخل بنا تغییر و تبدیلات زیادی یافته بود که تا حدودی در تعمیرات اخیر که توسط دفتر فنی سازمان در کاشان انجام گرفته بود بصورت اول باز گردانده شد.

برش افقی آن کاملاً شبیه سردر باغ فین بود و در تعمیرات هر دو بنا از قسمت‌های سالم باقیمانده در بنای دیگر برای مرمت و بازپیرائی استفاده میشد. تعمیرات آن توسط سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران و دفتر فنی کاشان از سال ۱۳۵۲ شروع و چندین سال ادامه یافت و تکمیل گردید.

این عمارت در روز جمعه یازدهم اسفند ماه سال ۱۳۵۷ منهدم و تخریب گردید بطوریکه هیچگونه اثری از آن بر جای نمانده است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

حمام خسرو آقا - اصفهان بلد مع علم انسانی

این آثار مدارکی از فنون و تفکر و فلسفه معماری ما هستند.

چنانچه جنایتکارانی ضد مردم و ضد فرهنگ و انکاء به حکومتی

قلدر چند صاحبی از این نمونه‌های علمی و هنری معماری استفاده‌های

نامناسبی کردند پاسخ مناسب همان بود که مردم به آنها دادند.

دیگر منجر کردن آثار معماری که احتمالاً " برای امتداد یک

خیابان و یا چیزی شبیه به آن انجام گرفته‌شایسته فرهنگ‌انقلابی

اگر ارزشهای معماری گذشته سرزمینمان را نادیده بگیریم.

ناچار خواهیم بود تا ابد به تقلید از الگوهای معماری غربی

به‌پردازیم و نسل جوان ما گمان خواهند برد که هیچ تفکر و تکنیک

و سنت معماری غیر از آنچه که در غرب به آن دسترسی دارد وجود

دوران کنونی نیست و چه بسا آنرا لکه دار خواهد کرد .
باید تمام جناحهای انقلابی باروشنگری و افشاگری ریشه‌های واقعی دردها و جلوگیری از عملیات منحرفی نظیر انفجار حمام قدیمی در سامان دادن به فرهنگ انقلابی و تجهیز و تکامل آن دلسوزانه شرکت جویند .

رهبر بزرگ انقلاب در سخنانشان خطاب به صنعتگران اصفهانی اشاره‌ای داشتند به کیفیت و تکمیل کاشی‌های سردر مدرسه فیضیه قم و اینکه چگونه صنعتگر مسلمان ایرانی روزگاری توانائی تولید محصولی را داشته است که نه تنها در زمان خود بی نظیر بوده بلکه امروز هم با تمام ابزار و آلات جدید قادر نیستند از آن تقلید کنند .

تولید کردن و ساختن آنهم بدست خود و با فکر خود یکی از محورهای اصولی حرکت انقلابی ما را تشکیل میدهد .
امروز احیاء تولید ملی و سومی در هر زمینه و در تمام ابعاد آن اعم از تفکر تولیدی ، ایمان تولیدی ، فلسفه تولیدی ، فرهنگ تولیدی و بالاخره سازمان و سنت تولیدی تا مسائل مربوط به بازار و غیره که بما و سرزمین ما و مردم ما تعلق دارد از پیشوانه‌های ارزنده حرکت انقلاب اسلامی ماست .

امروز قبل از هر چیزی باید متقاعد شویم که میتوانیم سازیم و نیازهایمان را در اکثر موارد برطرف کنیم چگونه است که در یک چنین مرحله‌ای از تاریخ ساخته‌های علمی و فنی و نمونه‌های عالی از محصولات بومی خود را در زمینه معماری نادیده میگیریم و منهدم می‌کنیم ؟ بخاطر چه ؟ وجه چیزی‌های آن خواهیم ساخت ؟ بحای این همه تخریبی که در پنجاه سال گذشته انجام گرفته چه چیزی بوجود آوریم ؟ تمام زشتیها و گرفتاریها و کثافات شهرها در پنجاه سال اخیر ناشی از اینگونه تخریبها و قرار دادن آثاری بنجل بحای آنها بوده است .

چه کسانی تفکر تولیدی را از ما گرفتند و به چه شیوه‌ای عمل کردند ؟ کسانی که نیاز داشتند محصولات خود را در بازارهای ما

آب کنند و این جز با انهدام سنتهای تولید بومی عملی نبود .
لذا در زمینه معماری و شهرسازی بنا بر این قرار گرفت آنچه که بومی و ملی بود ازسکه بیفتد و بدنیال آن سهل محصولات خارجی با نقشه‌های بی سرو ته غربی وارد این آب و خاک شود .

• در صدر انقلاب رهائی بخش اسلامیهان با ایداز تمام منابع علمی هنری - فنی که با مر تولید ملی کمک خواهند کرد با کوشش هر چه بیشتر حفاظت کنیم .

بناهای قدیمی منابع علمی معماری ما را تشکیل میدهند اگر بخواهیم سبای کارآینده معماری کشورمان را بر روی افکار فنون خودی بگذاریم ناگزیریم که آنها را بشناسیم و تجزیه و تحلیل دقیقی از آنها بعمل آوریم ولی امروز با انفجار این حمام و فردا با تخریب آن مدرسه قدیمی معلوم نیست که مدارک عینی ما از معماری کشورمان چه خواهد بود .

آیا باید برای بدست آوردن مراجع و منابع معماری و شهرسازی کماکان به مدارس آمریکائی ، اروپائی ، ژاپنی امریکای لاتین و بدریوزگی برویم ؟

" نقل از روزنامه انقلاب اسلامی "



مسجد پامنار زواره

مسجد پامنار زواره یکی از قدیمترین مساجد ایرانی محسوب
 میشود زیرا در سال ۴۶۱ هجری ساخته شده بود و دهها اثر از
 خط ثلث و گچبریهای هنرمندانه که هر یک از شاهکارهای استادان
 قدیم محسوب میشود در آن وجود داشت .

اگر تخریب این بنا بدست نیروهای بیگانه و آنها که دشمن
 فرهنگ ملی ما هستند انجام میشد جای تعجب نبود . چون
 تاریخ ما نشان میدهد که اقوام بیگانه برای تسلط بر کشور ما
 همیشه کوشش کرده‌اند که آثار و پیوندهای ملی ما را یا بسوزانند
 و یا زیر و رو کنند و روی آن شخم بزنند . اما نابودی این بنای
 با ارزش در زمان ما و بدست خود ما انجام شده است .